



علم کلام

علم کلام یا کلام‌شناسی، دانشی است که به بحث پیرامون **اصول اعتقادی** و جهان‌بینی دینی بر مبنای استدلال عقلی و نقلی می‌پردازد و به شبهه‌هایی که در این زمینه مطرح می‌شود، پاسخ می‌دهد. درباره تاریخ تولد علم کلام، و این‌که از چه زمانی در میان **مسلمین** پدید آمد، به طور دقیق نمی‌توان اظهار نظر کرد.

فهرست مندرجات

- ۱ - معرفی اجمالی
- ۲ - تعریف علم کلام
- ۳ - موضوع
- ۴ - فائده و کاربرد
- ۵ - تاریخچه
- ۶ - بنیان‌گذاران
- ۷ - جایگاه مباحث کلامی در قرآن و سنت
- ۸ - وجه نامگذاری
- ۹ - مقایسه کلام اسلامی با کلام غیر اسلامی
- ۱۰ - اهداف علم کلام
- ۱۱ - روش علم کلام
- ۱۲ - تعریف جامع
- ۱۳ - تفاوت کلام و فلسفه
- ۱۴ - آغاز پیدایش علم کلام
- ۱۴.۱ - علل پیدایش
- ۱۴.۱.۱ - امامت
- ۱۵ - پانویس
- ۱۶ - منبع

معرفی اجمالی

علم کلام از علوم اسلامی است که بیشتر بر کاربرد **عقل** و علم در مسائل اعتقادی تکیه دارد تا باور تقلیدی. علم کلام معتقد به تحقیقی بودن باورهای اعتقادی است، نه تقلیدی بودن آن‌ها. دانش کلام، به پایه‌های اعتقادی در یک **دین** و مقابله و بحث با نظرات دیگر اندیشه‌ها می‌پردازد. جستارهایی مانند برهان‌های اثبات وجود خدا، **حدوث** یا **قلم جهان هستی**، **نبوت خاصه** و **علمه**، **عدل الهی**، **امامت**، **معاد** و... در این رشته نظری بحث می‌شود. دانشمند علم کلام را «**متکلم**» می‌نامند. در آثار اسلامی گاه از متألهین دیگر ادیان نیز به عنوان متکلم نام برده شده است. ۳۲۹۳۳۳۹۹

تعریف علم کلام

تعریف‌هایی که برای «علم کلام» شده مختلف است. بعضی از این تعریف‌ها تعریف به موضوع علم کلام است.

[۱] جر جانی، سید شریف، **التعريف، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۹ق، ص ۸۰.**

[۲] لاهیجی، عبدالرزاق، شوارق الالهام، اصفهان، انتشارات مهدوی، بی‌تا، ص ۵.
و برخی اشاره به اهداف و رسالت‌های آن دارند؛

[۳] ایچی، عضدالدین، **المواقف، بیروت، عالم‌الکتب، بی‌تا، ص ۸.**

[۴] جر جانی، سید شریف، **التعريف، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۹ق، ص ۸۰.**

[۵] ابن خلدون، عبدالرحمن، مقدمه ابن خلدون، بیروت دار القلم، ۱۹۷۸ میلادی، ص ۴۵۸.

چنین‌که تعریف به روش علم کلام نیز ممکن است. همان‌گونه که برخی از محققان معاصر گفته‌اند.

[۶] ربانی گلپایگانی، علی، درآمدی بر علم کلام، قم، انتشارات دار الفکر، ۱۳۷۸، ص ۳۵.

بهترین تعریف، تعریفی است که در بردارنده موضوع، روش و اهداف علم باشد، بر این اساس شایسته است نخست موضوع، روش و هدف یا اهداف علم کلام مشخص شود، آن‌گاه تعریف علم کلام ارائه گردد.

علم کلام یکی از علوم اسلامی است که درباره عقاید اسلامی یعنی آنچه از نظر **اسلام** باید به آنها اعتقاد داشت، بحث می‌کند، درباره آن توضیح می‌دهد و برای اثبات آن عقاید با **دلایل عقلی و نقلی (آیات و روایات)** استدلال می‌کند، از آن‌ها دفاع می‌کند.

[۱۷] مطهری، مرتضی، **آشنائی با علوم اسلامی، بخش کلام، ص ۱۵، انتشارات اسلامی، قم.**

[۱۸] لاهیجی، عبدالرزاق، گوهر مراد، ص ۴۲، نشر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

[۱۹] تفتازانی، سعدالدین، شرح مقاصد، مقصد اول، فعل اول، ص ۱۶۳، نشر شریف الرضی، قم، ۱۴۰۹ ق، سال ۱۳۷۲ ش.

[۲۰] لاهیجی، عبدالرزاق، شوارق الاوهام فی شرح تجرید الکلام، ص ۳، چلپ رحل قدیم.

برای اطلاع از تعاریف مختلف علم کلام به **علم کلام (تعاریف)** مراجعه کنید.

موضوع

درباره موضوع علم کلام نظریه‌های مختلفی ارائه شده است که از آن میان دو نظریه ذیل دست‌تر است:

۱- موضوع علم کلام، **خداوند (اثبت وجود، صفات و افعال الهی)** است.

۲- موضوع علم کلام، عقاید دینی است.

اکثر محققان معاصر موضوع کلام را عقاید دینی می‌دانند.

گرچه درباره موضوع علم کلام سخنان متعدد مطرح است اما به طور کلی موضوع اصلی و اساسی علم کلام سه محور یعنی **خداشناسی**، رهنماشناسی (**نبوت و امامت**) و **معاذشناسی** است. گرچه در مسایل دیگر مانند جهان، انسان از جهت مختلف هستی‌شناسی و کمال‌شناسی و مانند نیز مباحثی در آثار کلامی متکلمان مسلمان عنوان شده است، اما موضوع اصلی آن، محورهای یاد شده است.

[۱۱] سعیدی مهر، محمد، آموزش کلام اسلامی، ج ۱، ص ۱۷، نشر مؤسسه فرهنگی طه.

[۱۲] تفتازانی، سعدالدین، شرح مقاصد، ج ۱، مقصد اول، فعل اول، ص ۱۶۷، نشر الشریف الرضی، قم، ۱۴۰۹ ق.

[۱۳] ایجی، عبدالرحمن، شرح مواقف، ج ۱، ص ۴۰، نشر الشریف الرضی، قم، ۱۳۷۰ ش.

فائده و کاربرد

گرچه علم کلام آثار و فواید متعدد در حوزه مسؤولیت خود بر عهده دارد و در طرح و تبیین آن تلاش کرده و می‌کند، به طور عمده برخی از فواید آن قرار ذیل است: الف- یکی از کاربردهای مهم و اساسی علم کلام، دفاع معقول از اندیشه‌های دینی و کلامی است، زیرا بسیار پیش می‌آید که آموزه‌های دینی و معارف اعتقادی مورد شبهه‌ها و اعتراضات مخالفان قرار می‌گیرد، علم کلام و کسانی که دانش کلامی و اعتقادی اندوخته‌اند خود را موظف می‌دانند که با بهره‌گیری از روش‌های معتبر و معقول، اعتراضات و شبهات را پاسخ بگویند و از این طریق از حریم اعتقادات دینی دفاع کنند.

ب- از آنجا که آموزه‌های اعتقادی اسلام در منابع دینی مانند **قرآن**، **روایت** و عقل تعبیه شده دانش کلام و کسانی که این علم را اندوخته‌اند با مراجعه به این متون عقاید اسلامی را به صورت منسجم و مستدل استخراج می‌کنند.

ج- چون معارف اعتقادی در منابع اصلی **دین** به صورت منظم مطرح نشده وظیفه علم کلام و متکلمین است که با استفاده از متد و روش علمی خود، همه آن مباحث را به خوبی شناسایی کرده و آن را به صورت نظام‌مند طرح و تبیین کنند.

[۱۴] سعیدی مهر، محمد، آموزش کلام اسلامی، ج ۱، ص ۱۵، نشر مؤسسه فرهنگی طه.

تاریخچه

درباره تاریخ تولد علم کلام، و اینکه از چه زمانی در میان مسلمین پدید آمد، به طور دقیق نمی‌توان اظهار نظر کرد، اما آنچه را در این زمینه می‌توان گفت این است که در نیمه دوم قرن اول هجری برخی از مسایل مانند بحث **حیر** و **اختیار** و بحث **عدل**، در میان مسلمین مطرح شد، گرچه عذر از مستشرقین برای این که اصالت علوم و معارف اسلامی را نفی کند کوشش دارند به هر نحو شده برای هم علوم که در میان مسلمین پدید آمده، ریشه‌ای از خارج **جهان اسلام** و فرهنگ اسلامی جستجو و ارائه کنند، اما حقیقت آن است که بحث استدلالی درباره اصول اسلامی از خود قرآن آغاز شده و در سخنان **پیامبر اکرم** مطرح شده و در کلمات پیشوایان دین بخصوص امیر مؤمنان **علی بن ابیطالب (علیه‌السلام)** پیگیری شده است پس هیچ لیلی ندارد که کسی بخواهد منشا دیگری برای مباحث کلامی جستجو نماید.

[۱۵] مطهری، مرتضی، **آشنائی با علوم اسلامی، بخش کلام، ص ۱۷-۱۸، انتشارات اسلامی، قم.**

نکته دیگر در این‌باره آن است که با توجه به این حقیقت که **آئین اسلام** پیروان خود را همواره به **تفکر**، **تعقل** و **اندیشه** فرا می‌خواند، و از سوی دیگر بسیاری از مسایل اعتقادی درباره **توحید** و مانند آن را بر اساس استدلال عقلی مطرح کرده است به گونه‌ای که حتی **تقلید** را درباره آن مسایل کافی ندانسته است، مسلمین با الهام از این امور بر آن شدند که علمی را به نام علم کلام که روش منطقی و عقلی و استدلالی دارد پایه‌ریزی کنند که بعد از طرح ابتدائی آن رشته، به تدریج در هر عصری افراد آمدند و در جهت توسعه و گسترش آن تلاش کردند.

[۱۶] سبحانی، جعفر، بررسی عقاید اسلامی (فرهنگ عقاید و مذاهب اسلامی)، ص ۱۹، نشر توحید، قم، ج ۱، سال ۱۳۷۳ ش.

[۱۷] مطهری، مرتضی، آشنائی با علوم اسلامی، بخش کلام، ص ۱۴۵.

[۱۸] سبحانی، جعفر، الهیت علی هدی الکتب و السنة و العقل، ص ۳، مقدمه نشر مرکز العالمی للدراسات الدینیة، چلپ ۲، ۱۴۰۹ ق.

نکته سوم در این‌باره آن است که سرگذشت رقت‌بار **سقیفه** که جریان خلافت اسلامی را از مسیر اصلی آن بیرون کرد، جزء مسایل اساسی و شاید از برخی جهت نخستین مساله کلامی باشد که در میان مسلمانان پدید آمد، زیرا عده‌ای از مردم (**اسفار**) به دلیل حمایت از پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) مدعی شدند که **خلیفه پیامبر** باید از میان آنان باشد. عده دیگر خود را به پیامبر نسبت می‌دادند و جریان خویشاوندی‌شان را مطرح می‌کردند، و در این میان گروهی دیگر به دلیل نص پیامبر به خلافت علی (علیه‌السلام) معتقد بودند و می‌گفتند که خلیفه پیامبر باید همان کسی باشد که پیامبر خود او را معرفی کرده است، این مباحث در مجموع به تدریج اساس کلام اسلامی را پایه‌ریزی نمود.

چه این‌که برخی مسایل دیگر مانند حکم کسانی که **گناه کبیره** مرتکب شده‌اند چیست؟ مساله **حادث** یا **قدیم** بودن **قرآن کریم** و مانند آنها در پدید آمدن مباحث کلامی نقش داشته است.

[۱۹] سبحانی، جعفر، منخل مسایل جدید در کلام، ص ۵، نشر مؤسسه امام صادق - (علیه‌السلام) - قم، ۱۳۷۵ ش.

گرچه برخی از علوم مؤسس و بنیان‌گذار مشخص دارد و توسط فردی معین پایه‌گذاری شده و به تدریج رشد کرده است، اما برخی از علوم نظیر علم کلام محصول اندیشه یک فرد خاصی نیست بلکه علل و عوامل و افراد متعدد در تدوین آن نقش داشته است، بخصوص علم کلام که مایه‌های اصلی آن در خود قرآن و کلمات **پیشوایان دین** است. سپس به آسانی می‌توان گفت که مؤسس آن قرآن و سخنان پیامبر و پیشوایان دین است.

[۲۰] **مطهری، مرتضی، آشنائی با علوم اسلامی، بخش کلام، ص ۱۷، انتشارات اسلامی، قم.**

[۲۱] سبحانی، جعفر، فرهنگ عقاید و مذاهب اسلامی، ص ۱۹، نشر پیشین.

[۲۲] لاهیجی، عبدالرزاق، گوهر مراد، ص ۴۴، نشر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سال ۱۳۷۲ ش.

اما از نظر مباحث خاصی که درباره مسایل مانند عدل، جبر و اختیار و امثال آن بعدها در میان مسلمین مطرح شد، ظاهراً برای نخستین بار این‌گونه مسایل در حوزه درسی **حسین بصری** متوفای ۱۱۰ ق عنوان گردید و به تدریج دو جریان فکری **معتزله** و **اشاعره** به وجود آمد.

[۲۳] **مطهری، مرتضی، آشنائی با علوم اسلامی، بخش کلام، ص ۱۷، انتشارات اسلامی، قم.**

[۲۴] لاهیجی، عبدالرزاق، گوهر مراد، ص ۴۵، نشر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سال ۱۳۷۷ ش.

برخی از صاحب نظران در این باره می‌گویند:

حسن بصری و حوزه درسی او سبب پیدایش بسیاری از منازعات کلامی شد، یکی از شاگردان او به نام **واصل بن عطا** در بعضی مسایل نظر استادش را مورد نقد جدی قرار داد و به تدریج از او جدا شد و در برابر استاد خود حوزه درسی بوجود آورد و بدین ترتیب گفتگو درباره مسایل دینی آغاز گردید، بعد از مدتی بحث‌ها از گفتار به نوشتار و تدوین کتب‌ها متعدد ترقی کرد و زمینه علمی را به نام علم کلام فراهم ساخت.

[۲۵] لاهیجی، عبدالرزاق، گوهر مراد، ص ۴۶، چلپ رحل قدیم.

[۲۶] **مطهری، مرتضی، آشنائی با علوم اسلامی، بخش کلام، ص ۱۶۰.**

جایگاه مباحث کلامی در قرآن و سنت

با قطع نظر از مباحث جدل و جدالی که موجب پدید آمدن فرقه‌های گوناگون و احیاناً عناصر نامطلوب در **جهان اسلام** شد و از این رهگنر فتنه‌های اجتماعی ناخوش آیند پدید آمد، علم کلام به عنوان دانش و علم که عهدمدار تبیین استدلال عقاید اسلامی است، جایگاه ارزشمندی در قرآن و سنت دارد لذا برخی از کارشناسان بزرگ در این باره گفته‌اند: قرآن کریم، **ایمان** را بر پایه تعقل و تفکر گذاشته است، قرآن همواره می‌خواهد که مردم از اندیشه به ایمان برسند. قرآن در آنچه باید به آن **مؤمن** و معتقد بود و آن را شناخت، **تعبد** را کافی نمی‌داند، به همین جهت در **اصول دین** باید تحقیق کرد. مثلاً این که **خداوند** وجود دارد، و **پیکتا** و بی‌شریک است، یا حضرت محمد (صلی‌الله‌علیه‌وآله) فرستاده خداست و امثال این‌گونه مسایل باید با دلایل محکم و استدلال‌های یقینی برای انسان ثابت شود.

[۲۷] **مطهری، مرتضی، آشنائی با علوم اسلامی، بخش کلام، ص ۱۸، انتشارات اسلامی، قم.**

همه این امور در سایه استدلال‌های کلامی بدست می‌آید پس از این منظر علم کلام دانش ارزشمندی خواهد بود و یکی از متکلمین بزرگ در این باره گفته است: «این قسم کلام، اعنی تحصیل معارف به دلیلی که منتهی شود به گفته **معصوم**، کلام مؤدی به صواب باشد و شارک بود با طریقه حکمت در افاده **یقین** و فرق همین باشد که طریقه حکمت افاده یقین تفصیلی کند و این طریقه افاده یقینی اجمالی، و این طریقه قماء **متکلمین امامیه** است مثل **هشام بن حکم** و همفکران او، و در احادیث ائمه معصومین (علیهم‌السلام) ثابت شده که کلامی که مآخوذ از ما باشد مدوح است.»

[۲۸] لاهیجی، عبدالرزاق، گوهر مراد، ص ۵۰، چلپ رحل قدیم.

وجه نام‌گذاری

یکی از مباحثی که نوعاً درباره علم کلام مطرح است این است که چرا این دانش به نام علم کلام نامیده شده است؟ برخی بر آن‌اند که چون فراگیری این علم انسان را در بحث و استدلال توانا می‌سازد و قدرت سخن‌وری انسان را افزایش می‌دهد لذا آن را علم کلام می‌خوانند. برخی دیگر معتقدند که نوعاً علماء و دانشمندان فنی در کتب‌های خود تحت عنوان «الکلام فی کذا» مباحثی را مطرح می‌کردند لذا به تدریج نام آن علم کلام شد. عده‌ای گفته‌اند این نام از وقتی پدید آمد که مسلمین درباره حدوث یا قدیم بودن کلام الله مباحث تندی را مطرح کردند و بر سر این مساله عده زیاد کشته شدن و این حوادث باعث گردید که این فن علم کلام نامیده شود.

[۲۹] **مطهری، مرتضی، آشنائی با علوم اسلامی، ص ۱۴۹، انتشارات اسلامی، قم، ص ۲۳.**

در بیان وجه تسمیه و علت نام‌گذاری این **علم** به علم کلام، وجوه مختلفی را متذکر شده‌اند که مهمترین آنها بدین شرح است:

- ۱- بدان جهت که عنوان مباحث این علم «الکلام» بوده است مثلاً: الکلام فی اثبات الصانع یا الکلام فی النبوه...
- ۲- بدان جهت که مهمترین مسائل آن مربوط به **حدوث** و **قدیم** قرآن و اینکه آیا **کلام خدا مخلوق** است یا خیر می‌باشد.
- ۳- به دلیل اینکه با آموختن علم کلام، قدرت بر **تکلم در شریعت** حاصل می‌گردد.
- ۴- بدین خاطر که وسیله این علم، تکلم است.
- ۵- چون این علم مبتنی بر **انله قطعی** است و با **انله سمعی** تأیید می‌گردد، بیشتر در **قلب** نفوذ می‌کند لذا آن را کلام (بلحاظ **اشقاق** کلام از **کلم** که بمعنی **جرح** است) نام نهاده‌اند.
- ۶- بدین خاطر که این علم با **مباحثه** و **مکالمه** بین دو طرف تحقق می‌یابد ولی علوم دیگر با مطالعه کتب.
- ۷- متکلمان خواسته‌اند که با **فلاسفه** برابری کنند و فنون علم کلام را با **منطق** توأم نمایند زیرا منطق و کلام مترادف هستند، بنابراین علم کلام در نزد متکلمان مانند منطق، یعنی نطق و کلام، در نزد فلاسفه است و بنای این دو علم بر کلام نهاده شده است.
- ۸- به این سبب این علم را کلام خوانده‌اند که در آن علم، از **منظره** بر خلاف **بدعت‌ها**، گفتگو می‌شود و این مناظرات کلام صرف است.

[۳۰] تفتازانی، مسعود بن عمر، شرح العقائد.

[۳۱] شهرستانی، محمد بن عبدالکریم، ملل و نحل، ج ۱.

[۳۲] احمد امین، صحنی الاسلام، ج ۳.

[۳۳] شبلی نعمانی، محمد، تاریخ علم کلام، ترجمه محمد تقی گیلانی، ج ۱.

گرچه علم کلام اختصاص به **مسلمانان** ندارد، بلکه پیروان سایر ادیان نیز برای دفاع و تبیین عقاید دینی خود اصول و مبانی کلامی خاص برای خود تدوین کرده‌اند، [۲۴] سبحانی، جعفر، منحل مسائل کلام جدید در علم کلام، ص ۵، نشر مؤسسه الامام الصادق، قم، چپ اول، ۱۳۷۵ ش. اما به نظر می‌رسد امتیاز اساسی **کلام اسلامی** با علم کلام در سایر ادیان، آن است که بخش اصلی کلام اسلامی (الهیات) بر اسس **آیت قرآن** و سخنان معصومین (علیهم‌السلام) و **پراهمین عقلی** و استدلال (که مایه‌های اصل خود را از عقل و متون دینی می‌گیرد) پایه‌ریزی شده، که جایگاه ارزشمندی در کلام اسلامی دارد.

اهداف علم کلام

در یک جمع‌بندی از سخنان **متکلمان** می‌توان اهداف علم کلام را چنین برشمرد:
 الف) رسیدن به دین‌داری منطقی و محققانه در زمینه عقاید دینی
 ب) اثبات پیش فرض‌ها و موضوع‌های سایر علوم دینی از طریق علم کلام (به این معنا که تا وجود خداوند و **رستخیز** و فرستادن **انبیاء**، در کلام ثابت نشود و تا زمانی که بحث‌های مربوط به هدف‌مندی و تکلیف انسان در این علم بررسی نگردد، بحث در سایر علوم اسلامی؛ نظیر **تفسیر**، **فقه**، **حقوق** و... بی‌موضوع و بی‌معنا خواهد بود.)
 ج) هدایت حق‌جویان و نقد سفسطه‌گران
 د) دفاع از اصول و عقاید دینی
 [۲۵] ربانی گلپایگانی، علی، درآمدی بر علم کلام، قم، انتشارات دارالفکر، ۱۳۷۸، ص ۳۷-۴۴.

روش علم کلام

علم کلام علمی تک روشی نیست بلکه به مقتضای رسالت‌های گوناگونی که دارد و در بالا به آن اشاره شد از روش‌های مختلف بهره می‌گیرد. متکلم جهت تأمین هدف اول و دوم فقط از راه استدلال یقین‌آور و برهانی وارد می‌شود ولی در رابطه با دو رسالت اخیر از همه روش‌های استدلالی بهره می‌گیرد. در این دو هدف انتخاب روش به عهده متکلم است که با در نظر گرفتن تفاوت‌های فکری و روحی طرف‌های بحث و نیز شرایط مختلف زمانی و مکانی و نیز سایر شرایط شیوه استدلال مناسب را بر می‌گزیند. از اینرو روش کلام گاه برهانی است و زمانی جدلی و خطابه‌ای
 [۲۶] ربانی گلپایگانی، علی، درآمدی بر علم کلام، قم، انتشارات دارالفکر، ۱۳۷۸، ص ۵۳-۵۷.

تعریف جامع

با توجه به آنچه گفته شد، اکنون با سهولت و دقت بیشتری می‌توانیم تعریفی از کلام ارائه کنیم. بر اسس جمع‌بندی تعاریف علم کلام که از سوی معاصرین انجام گرفته علم کلام را می‌توان چنین تعریف کرد:
 «علم کلام دانشی است که به **استنباط**، تنظیم و تبیین معارف و مفاهیم دینی پرداخته و بر اسس شیوه‌های مختلف استدلال اعم از **برهان**، **جدل**، **خطابه** و... گزاره‌های اعتقادی را اثبات و توجیه می‌کند و به اعتراض و شبهات مخالفان دین پاسخ می‌دهد».

[۲۷] **خسر و پناه، عبدالحسین، کلام جدید، قم، مرکز مطالعات و پژوهش‌های فرهنگی حوزه علمیه، چپ سوم، ۱۳۸۳، ص ۴.**

در این تعریف نه تنها به موضوع کلام توجه شده که غایت و روش‌شناسی کلام نیز مورد عنایت قرار گرفته است.
 با توجه به تعریف فوق، فواید و اهداف علم کلام و وظیفه متکلمان عبارت است از:

۱- استنباط

۲- تنظیم

۳- تبیین معارف و مفاهیم دینی

۴- دین‌پژوهی و شناخت **دین** به شیوه تحقیقاتی نه تقلیدی

۵- اثبات مدعیات اعتقادی و عقلانی کردن آنها

۶- پاسداری از آموزه‌های دینی و زدودن شبهات از آنها.

[۲۸] **خسر و پناه، عبدالحسین، کلام جدید، قم، مرکز مطالعات و پژوهش‌های فرهنگی حوزه علمیه، چپ سوم، ۱۳۸۳، ص ۵.**

تفاوت کلام و فلسفه

بیان تفاوت بین فلسفه و کلام را بایستی مربوط به کلام **متقدمان** دانست، زیرا از قرن هفتم به بعد، کلام و فلسفه بشدت بهم نزدیک شده‌اند به نحوی که تشخیص متون کلامی از فلسفی در قرون متأخر به آسانی صورت نمی‌گیرد. به هر حال در مورد تفاوت علم کلام با فلسفه و به تعبیر دیگر اختلاف متکلمین و فلاسفه باید گفت:
 فلاسفه اهل برهانند و در **فکر** ملتمز به **وحي** نیستند. (و این بدان معنی نیست که **منکر** وحي باشند) آنها می‌گویند که چون رشته برهانشان به احکام بدیهی یقینی می‌رسد، **شریعت** هم باید موافق **حکمت** باشد و اگر نباشد آن را **تأویل** باید کرد، البته متکلمان هم فلاسفه را **ملامت** کرده‌اند که چرا پا از حدود فراتر گذاشته، **عقل فصولی** را مدار ملاک دانسته‌اند...
 از نظر موضوع نیز، کلام و فلسفه با یکدیگر مشارکت ندارند زیرا موضوع فلسفه موجود من حیث هو موجود است درحالی‌که موضوع کلام- بنا به تعاریفی که گذشت- اصول و **عقاید دینی** است. دلایل فلسفه نیز با دلایل کلام متفاوت است. زیرا دلایل فلسفه منتهی به **بدیهیت** می‌شود در صورتی‌که دلایل علم کلام منتهی به **مسلمت** می‌گردد.
 از نظر غایت و هدف نیز بین فلسفه و کلام اختلاف است زیرا غایت فلسفه حصول **معرفت** و **کمال** قوه نظری است و غرض علم کلام محافظت **شرع** و اثبات عقاید دینی است.
 اما چنانکه گفتیم، این تفاوت‌ها مربوط به کلام **متقدمان** است و کلام متأخران به **فلسفه اسلامی** بسیار نزدیک شده است و در **موضوع** و هدف اشتراک دارند و اختلافشان در مقدمات و دلایل است، زیرا مقدمات استدلال در حکمت، یقینی است و مقدمات استدلال در کلام، مسلمت و **مشهورات** شرع انور است.

و با تعریفی که متأخرین از علم کلام کرده‌اند که «علم به احوال موجودات است بر نهج قوانین شرع» و مقایسه آن با این تعریف از فلسفه اسلامی که «علم به احوال موجودات است به قدر طاقت بشر» می‌توان نتیجه گرفت که اگر علم کلام محدود به قوانین شرع است. حدود فلسفه همان حدود عقل و طاقت بشر است.

[۲۹] پیدایش و بسط علم کلام، ص ۱۱۵-۱۴۴.

آغاز پیدایش علم کلام

درباره آغاز علم کلام بطور دقیق نمی‌توان نظر داد. اگر علم کلام را علم اصول عقاید دینی بدانیم، باید آغاز آن را توأم با اعتقادات بشر دانست ولی اگر مقصود، آغاز علم کلام در اسلام باشد باید پیدایش علم کلام را بصورت رسمی در نیمه دوم قرن اول هجری و اوائل قرن دوم جستجو کرد. اگر چه مسائل کلی کلامی را می‌توان در آیات شریفه قرآن کریم و احادیث نبوی تعقیب نمود، لکن نمی‌توان مجادلات و مباحثات کلامی را به زمان رسول خدا (صلی الله و علیه و آله) بازگرداند. زیرا از یک سو سادگی و صفای مسلمانان صدر اسلام و از سوی دیگر حضور شخصیت و الای پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) در میان مسلمین مجال هرگونه چون‌وچرا در مسائل اعتقادی را از بین می‌برد و سخن پیامبر برای همه کسانی که احیاناً می‌توانستند از نظر فکری با یکدیگر اختلافاتی داشته باشند، حجت و فصل‌الخطب بود.

← علل پیدایش

بعد از رحلت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) و ایجاد اختلاف بین مسلمین که عمدتاً ناشی از ضعف ایمان و قوت عصبیت‌های قومی و ملی بود، چون و چراهای اعتقادی نیز شکل گرفت و مسائلی از قبیل جانشینی پیامبر اکرم، وضعیت مرتکب گناه کبیره، جبر و اختیار، و... پایه‌های تأسیس مکاتب مهم کلامی را بنیان نهاد. البته بعضی از محققین و مورخین نظر دارند که عامل مؤثر در پیدایش کلام در تاریخ اسلام برخورد مسلمین با افکار و فرهنگ ایرانیان و یونانیان و مصریان و... و آشنائی مسلمین با آئین‌ها و مذاهب بزرگی چون یهود و مسیحیت و آئین زرتشت بوده است که مسلمین را به تلاشی بی‌امان برای مقابله با حملات فکری و دینی آنان برانگیخته است. بنابراین نظر، عامل اصلی پیدایش علم کلام را باید یک عامل خارجی دانست در حالی که اگر علت اصلی پیدایش علم کلام را اختلافات فکری مسلمانان در تجزیه و تحلیل مسائل اعتقادی، سیاسی، اجتماعی بدانیم، علم کلام را مولود حوزه تفکر اسلامی دانسته‌ایم و این نظر به واقعیت نزدیکتر است؛ زیرا از نظر تاریخی طرح مسائل کلامی نیز قبل از آشنائی مسلمین با ایرانیان و یونانیان و... معمول بوده است. و البته پذیرش این نظر بمعنای نفی تأثیر فرهنگ ملت‌ها و اعتقادات اینان و مذاهب غیر اسلامی در رشد و پویائی کلام اسلامی نیست.

← امامت

به هر حال از میان مسائلی که در پیدایش علم کلام و فرق اسلامی تأثیر بسزائی داشته است. یکی مسأله امامت و جانشینی رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) و ملجرای شورای سقیفه بنی ساعده را می‌توان نام برد که بدنبال خود یک سلسله مباحث کلامی را از قبیل وجوب نصب امام، امامت مفضول یا افضل، عصمت امام، چگونگی تعیین امام، خصوصیات امام، شرائط عزل امام و... بجای گذاشت و دیگر مسأله جبر و اختیار انسان که در نیمه دوم قرن اول بصورت جدی مطرح شد و کسانی مانند ربیعۃ الزاری صراحتاً از جبر و غیلان نمشقی و معبد جینی از اختیار دفاع می‌کردند و مناظراتی بین آنان در همین موضوع صورت گرفته است که در کتب کلامی منکور است. طرح مسأله جبر و اختیار تدریجاً سبب پیدایش یک سلسله مسائل دیگری در الهیات، طبیعیات و اجتماعیات شد. عدل، حسن و قبح ذاتی (عقلی) معطل بودن افعال باری به اعراض، محال بودن تکلیف ما لا یطاق و... از جمله مسائلی است که جبر و اختیار بدنبال خود آورد.

از عوامل مؤثر دیگر قتل عثمان، خلیفه سوم و حوادثی است که در دوران خلافت حضرت علی (علیه السلام) روی داد، پیدایش جنگ صفین و ملجرای حکمیت که سبب ظهور گروهی بنام خوارج شد که با اعتقادات خاص خود زحمت فراوانی را برای علی (علیه السلام) فراهم کردند. خوارج بنابر اصل اعتقادی خود که مرتکب گناه کبیره کافر است و کافر را باید کشت، اعتقاد پیدا کردند که علی (علیه السلام) با پذیرش حکمیت در جنگ صفین کافر شده است و باید توبه کند و همین امر موجب به شهادت رسیدن علی در حرب مسجد کوفه شد. و این آغاز انحراف جدی از حقیقت اسلام بود که به نوبه خود سبب مخالفت‌ها و موافقت‌ها و پیدایش فرق و مذاهب دیگر گردید.

علی که باختصار بر شمرده‌ایم، به علاوه سیاستمداران حاکم بر بلاد اسلامی که اسباب تضعیف یا تقویت فرق کلامی را بدلائل خاص سیاسی و اجتماعی فراهم می‌آوردند، مهمترین عواملی است که در پیدایش و رشد کلام و فرق کلامی مؤثر بوده‌اند.

پانویس

۱. ↑ جرجانی، سید شریف، التعریفات، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۹ق، ص ۸۰.
۲. ↑ لاهیجی، عبدالرزاق، شوارق الالهام، اصفهان، انتشارات مهدوی، بی‌تا، ص ۵.
۳. ↑ ایجی، عضدالدین، المواقف، بیروت، عالم‌الکتب، بی‌تا، ص ۸.
۴. ↑ جرجانی، سیدشرف، التعریفات، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۹ق، ص ۸۰.
۵. ↑ ابن خلدون، عبدالرحمن، مقدمه ابن خلدون، بیروت دار القلم، ۱۹۷۸ میلادی، ص ۴۵۸.
۶. ↑ ربانی گلیاگانی، علی، درآمدی بر علم کلام، قم، انتشارات دار الفکر، ۱۳۷۸، ص ۳۵.
۷. ↑ مطهری، مرتضی، آشنائی با علوم اسلامی، بخش کلام، ص ۱۵، انتشارات اسلامی، قم.
۸. ↑ لاهیجی، عبدالرزاق، گوهر مراد، ص ۴۲، نشر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۹. ↑ تفتازانی، سعد الدین، شرح مقاصد، مقصد اول، فعل اول، ص ۱۶۳، نشر شریف الرضی، قم، ۱۴۰۹ ق، سال ۱۳۷۲ ش.
۱۰. ↑ لاهیجی، عبدالرزاق، شوارق الاوهام فی شرح تجرید الکلام، ص ۳، چاپ رحل قدیم.
۱۱. ↑ سعیدی مهر، محمد، آموزش کلام اسلامی، ج ۱، ص ۱۷، نشر مؤسسه فرهنگی طه.
۱۲. ↑ تفتازانی، سعد الدین، شرح مقاصد، ج ۱، مقصد اول، فعل اول، ص ۱۶۷، نشر الشریف الرضی، قم، ۱۴۰۹ ق.
۱۳. ↑ ایجی، عبدالرحمن، شرح مواقف، ج ۱، ص ۴۰، نشر الشریف الرضی، قم، ۱۳۷۰ ش.
۱۴. ↑ سعیدی مهر، محمد، آموزش کلام اسلامی، ج ۱، ص ۱۵، نشر مؤسسه فرهنگی طه.
۱۵. ↑ مطهری، مرتضی، آشنائی با علوم اسلامی، بخش کلام، ص ۱۷-۱۸، انتشارات اسلامی، قم.
۱۶. ↑ سبحانی، جعفر، بررسی عقاید اسلامی (فرهنگ عقاید و مذاهب اسلامی)، ص ۱۹، نشر توحید، قم، ج ۱، سال ۱۳۷۳ ش.
۱۷. ↑ مطهری، مرتضی، آشنائی با علوم اسلامی، بخش کلام، ص ۱۴۵.

۱۸. [↑](#) سبحانی، جعفر، الهیبت علی هدی الکتب و السنة و العقل، ص ۳، مقدمه نشر مرکز العالمی للدراسات الدینیة، چاپ ۲، ۱۴۰۹ ق.
۱۹. [↑](#) سبحانی، جعفر، مدخل مسایل جدید در کلام، ص ۵، نشر مؤسسه امام صادق - (علیه السلام) -، قم، ۱۳۷۵ ش.
۲۰. [↑](#) مطهری، مرتضی، آشنائی با علوم اسلامی، بخش کلام، ص ۱۷، انتشارات اسلامی، قم.
۲۱. [↑](#) سبحانی، جعفر، فرهنگ عقاید و مذاهب اسلامی، ص ۱۹، نشر پیشین.
۲۲. [↑](#) لاهیجی، عبدالرزاق، گوهر مراد، ص ۴۴، نشر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سال ۱۳۷۲ ش.
۲۳. [↑](#) مطهری، مرتضی، آشنائی با علوم اسلامی، بخش کلام، ص ۱۷، انتشارات اسلامی، قم.
۲۴. [↑](#) لاهیجی، عبدالرزاق، گوهر مراد، ص ۴۵، نشر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سال ۱۳۷۷ ش.
۲۵. [↑](#) لاهیجی، عبدالرزاق، گوهر مراد، ص ۴۶، چاپ رحل قدیم.
۲۶. [↑](#) مطهری، مرتضی، آشنائی با علوم اسلامی، بخش کلام، ص ۱۶۰.
۲۷. [↑](#) مطهری، مرتضی، آشنائی با علوم اسلامی، بخش کلام، ص ۱۸، انتشارات اسلامی، قم.
۲۸. [↑](#) لاهیجی، عبدالرزاق، گوهر مراد، ص ۵۰، چاپ رحل قدیم.
۲۹. [↑](#) مطهری، مرتضی، آشنائی با علوم اسلامی، ص ۱۴۹، انتشارات اسلامی، قم، ص ۲۳.
۳۰. [↑](#) تفتازانی، مسعود بن عمر، شرح العقائد.
۳۱. [↑](#) شهرستانی، محمد بن عبدالکریم، ملل و نحل، ج ۱.
۳۲. [↑](#) احمد امین، صحی الاسلام، ج ۳.
۳۳. [↑](#) شبلی نعمانی، محمد، تاریخ علم کلام، ترجمه محمد تقی گیلانی، ج ۱.
۳۴. [↑](#) سبحانی، جعفر، مدخل مسایل کلام جدید در علم کلام، ص ۵، نشر مؤسسه الامام الصادق، قم، چاپ اول، ۱۳۷۵ ش.
۳۵. [↑](#) ربانی گلپایگانی، علی، درآمدی بر علم کلام، قم، انتشارات دارالفکر، ۱۳۷۸، ص ۳۷ - ۴۴.
۳۶. [↑](#) ربانی گلپایگانی، علی، درآمدی بر علم کلام، قم، انتشارات دارالفکر، ۱۳۷۸، ص ۵۳ - ۵۷.
۳۷. [↑](#) خسر و پناه، عبدالحسین، کلام جدید، قم، مرکز مطالعات و پژوهش‌های فرهنگی حوزه علمیه، چاپ سوم، ۱۳۸۳، ص ۴.
۳۸. [↑](#) خسر و پناه، عبدالحسین، کلام جدید، قم، مرکز مطالعات و پژوهش‌های فرهنگی حوزه علمیه، چاپ سوم، ۱۳۸۳، ص ۵.
۳۹. [↑](#) پیدایش و بسط علم کلام، ص ۱۱۵ - ۱۴۴.

منبع:

[سایت پژوه، برگرفته از مقاله «علم کلام»، تاریخ بازیابی ۹۶/۱۰/۲۶.](#)

[سایت اندیشه قم، برگرفته از مقاله «کلام»، تاریخ بازیابی ۹۶/۱۰/۲۶.](#)

رده‌های این صفحه: [اصطلاحات اسلامی](#) | [مقالات پژوه](#) | [مقالات اندیشه قم](#)